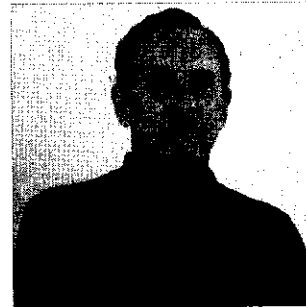


گویا چند بار برای سفر به ایران دعوت شده‌اید، چرا تاکنون هیچ یک از این دعوت‌ها را اجابت نکرده‌اید؟

یکی دو کتابم در ایران در دست ترجمه و انتشار است. ترجیح می‌دهم پس از انتشار آن‌ها به ایران سفر کنم تا مخاطبانم شناخت دقیق‌تری از آراء من داشته باشند.

از آن جا که کتاب‌های مهم‌تر شما هنوز به فارسی ترجمه نشده‌اند، اکثر مخاطبان این مصاحبه یا شما را نمی‌شناسند و یا صرفاً نامی از شما شنیده‌اند و در این حد می‌دانند که شما یکی از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان معاصر هستید، برای این که این مصاحبه بتواند ارتباط مناسب‌تری با این دسته از علاقه‌مندان علوم اجتماعی در ایران برقرار کند، اجازه می‌خواهم مصاحبه را با چند پرسش کلی آغاز کنم. شما در حوزه نظریه اجتماعی، نظریه جامعه‌شناختی، نظریه فرهنگ و نظریه سیاسی، آثار جریان‌سازی منتشر کرده‌اید. از آن جا که این آثار طیف نسبتاً وسیعی از موضوعات را پوشش می‌دهند، خودتان مهم‌ترین محور کارنامه علمی‌تان را چه می‌دانید؟



فضیلت جامعه‌شناسی فرهنگی بر مطالعات فرهنگی

گفت‌وگوی اختصاصی آیین با

جفری الکساندر،

جامعه‌شناس شهیر آمریکایی

مصاحبه و ترجمه: محمدرضا جلالی‌پور

در آثارم کوشیده‌ام بدون این که ایده‌آلیست باشم، جایی برای "معنا"، "امر معنادار" و تفسیر در نظریه‌های ساختار اجتماعی و کنش اجتماعی باز کنم. فکر می‌کنم این مهم‌ترین سهمی است که در نظریه اجتماعی و جامعه‌شناختی داشته‌ام. برای این کار کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر کرده‌اید؛ کدام یک را مهم‌تر می‌دانید و برای آغاز مطالعه آثارتان توصیه می‌کنید؟

در طول زندگی علمی‌ام تلاش کرده‌ام از طرق مختلف معنا را به نظریه ساختار اجتماعی تزریق کنم، اما تصور می‌کنم در میان کارهای اولیه‌ام مجموعه چهارجلدی منطق نظری در جامعه‌شناسی که در اوایل دهه ۱۹۸۰ منتشر شد، اهمیت بیشتری دارد. در این اثر به شیوه‌ای فلسفی‌تر به نقد پوزیتیویسم و جامعه‌شناسی مارکس، دورکیم، وبر و پارسونز پرداخته‌ام. در اواخر دهه ۱۹۸۰ به نظریه‌ها و مباحث جدیدتر مشغول شدم و به عنوان نمونه ۲۰ سخنرانی در باب نظریه جامعه‌شناختی پس از جنگ جهانی دوم ارائه دادم که بعداً در کتابی با همین نام منتشر شدند. در این مجموعه نیز همچون مجموعه قبلی کوشیدم نگاه تفهیمی و ساختاری را تلفیق کنم و از این منظر به نقد سنت‌های نظری جامعه‌شناختی بپردازم.

از اوایل دهه ۱۹۹۰ هم برنامه پژوهشی تجربی‌تری را در پیش گرفتم، گرچه همچنان به ارزیابی‌های نظری و انتقادی‌ام ادامه دادم و به طور مثال به نقد بوردیو پرداختم. به گمان من او به عاملیت، توجه کافی ندارد و بسیاری از چیزها را به امور ماتریالیستی فرو می‌کاهد. در طول دو دهه گذشته، علاوه بر نقد نگاه جامعه‌شناسان متقدم و متأخر برجسته، به مرور نظریه خودم درباره ساختارهای فرهنگی^{۵۸} و "عرصه مدنی"^{۶۰} را بنا کردم. در واقع در طول ۱۰-۱۵ سال اخیر از مباحث فلسفی و تفسیری‌تر به سمت نظریه‌های میان‌برد^{۶۱} تغییر جهت داده‌ام و روی نظریه اجتماعی خودم متمرکز شده‌ام. ... اما به نظر می‌رسد نظریه‌های متأخرتان با مواضع فلسفی پیشینیان همچنان سازگار است ...

بله، هنوز موضع فلسفی‌ام را تغییر نداده‌ام و فکر می‌کنم پیوستگی قابل توجهی میان آثارم وجود

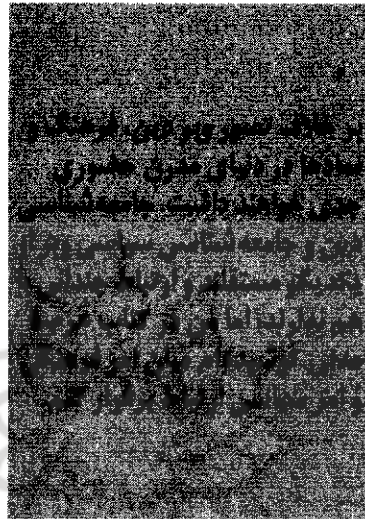
پروفسور جفری الکساندر، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ییل آمریکا، اگر برجسته‌ترین جامعه‌شناس آمریکایی معاصر نباشد، حداقل یکی از جریان‌سازترین و مؤثرترین جامعه‌شناسان کنونی آمریکاست. وی که در زمینه نظریه اجتماعی و جامعه‌شناختی، فرهنگ و سیاست آثار درخشانی منتشر کرده‌است، مهم‌ترین نظریه‌پرداز برنامه سخت^{۵۹} در جامعه‌شناسی فرهنگی (در برابر برنامه سست^{۶۰} جامعه‌شناسی فرهنگ) به شمار می‌رود. در حوزه نظریه جامعه‌شناختی نیز از نوکارکردگرایی فراتر رفته و کوشیده است در سنت نظری جدیدی میان فلسفه، مطالعات ادبی و نظریه سیاسی ارتباط برقرار کند. کتاب "عرصه مدنی" (۲۰۰۶) او از تأثیرگذارترین آثار اندیشه سیاسی در چند سال اخیر بوده است. با این جامعه‌شناس شهیر آمریکایی گفت‌وگویی اختصاصی داشته‌ایم که قسمت اول آن را در این شماره می‌خوانید. فهرست کتاب‌های او برای مطالعه علاقمندان در پایان مصاحبه موجود است.

دارد. برای مثال در یکی از اولین کارهایم، خوانش دست اول و متفاوتی از امیل دورکیم به دست دادم و آثار دورکیم را به گونه متفاوت و جدیدی دوره‌بندی کردم و نوشته‌های دورکیم متأخر را به شیوه‌ای نوین تفسیر نمودم. این کار که در سال ۱۹۸۲ منتشر شد، به مبنایی برای کارهای بعدی من تبدیل شد. برای مثال بعداً در سال ۲۰۰۵ کتاب

The Cambridge Companion to Durkheim را با همکاری فیلیپ اسمیت منتشر کردم. اصولاً جامعه‌شناسی فرهنگی‌ای که طرح و بنا کرده‌ام نیز در واقع نسخه تکامل یافته آن موضع دورکیمی (دورکیم متأخر) است. یک مثال دیگر: یکی از کارهای اولیه‌ام دربارهٔ ماکس وبر بود و در آن مدعی شده بودم که جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی سیاسی وبر از یکدیگر مستقلند و ارتباط چندانی با هم ندارند. به باور من، تلقی وبر از مدرنیته بیش از اندازه عقلانی بود و بر خلاف تصور وبر، دین، فرهنگ و نمادها در دنیای مدرن حضوری جدی خواهند داشت. در سال ۱۹۸۳ در کتابم گفته بودم که این دو بدنه - امر فرهنگی و امر سیاسی - باید با یکدیگر ارتباط بیشتری داشته باشند و در هم تنیده شوند. پس از حدود ۲۵ سال در کتاب عرصه مدنی^۱ کوشیدم این تکلیف را به انجام برسانم و تصور می‌کنم در برقراری ارتباط میان امر فرهنگی و امر سیاسی در نهایت کامیاب شدم. بنابراین پیوستگی قابل توجهی میان آثارم در طول این سه دهه وجود داشته است. البته کانون توجه و تمرکزم را در طول این سال‌ها تغییر داده‌ام. تا ۱۵ سال پیش هنوز تصور می‌کردم پاسخ پرسش‌هایم را باید در چارچوب‌های نوکارکردگرایانه^۲ و نوپارسونزی بجویم و فکر می‌کردم برنامه چند بعدی‌ام را می‌توانم از طریق پاسونز تکامل ببخشم. اما از ۱۵ سال پیش متوجه شدم که پارسونز ظرفیت در بر گرفتن این طرح را ندارد و باید او را پشت سر بگذارم و نظریه جدیدی بنا کنم. گویا کتاب معنای زندگی اجتماعی: یک جامعه‌شناسی فرهنگی^۳ در حال ترجمه به فارسی است. به جز این کتاب، کدام یک از کتاب‌هایتان را برای ترجمه به فارسی به مترجمان ایرانی پیشنهاد می‌کنید؟

فکر می‌کنم کتاب‌هایی که دربردارنده اندیشه‌های جدیدم هستند - از جمله کتابی که نام برید و کتاب

عرصه مدنی^۱ در اولویت‌اند. سلسله کتاب‌های انتشارات کمبریج که پژوهش‌هایی موردی در زمینه مطالعات اجتماعی - فرهنگی است^۲ و تحت نظارت من و استیون سایدمن^۳ منتشر شده‌اند هم احتمالاً برای مخاطبان ایرانی که درگیر چالش میان امر قدسی و عرفی‌اند جالب است. کتاب‌هایی که دربارهٔ جامعه‌شناسان کلاسیک و جامعه‌شناسی دورکیمی، جامعه‌شناسی انتقادی و نوکارکردگرایی نوشته‌ام هم احتمالاً برای دانشجویان جامعه‌شناسی در ایران سودمند خواهد بود.



متأسفانه در ایران دانشجویان و حتی پاره‌ای استادان با تفاوت میان جامعه‌شناسی فرهنگ، جامعه‌شناسی فرهنگی و مطالعات فرهنگی آشنا نیستند. به همین دلیل بسیاری از دانشجویان جامعه‌شناسی که به مطالعه اجتماعی فرهنگ علاقمندند، به مطالعات فرهنگی که رشته یا زمینه میان رشته‌ای متفاوتی است، روی می‌آورند، غافل از این که می‌توان در جامعه‌شناسی ماند و در قالب جامعه‌شناسی فرهنگی و جامعه‌شناسی فرهنگ نیز همان موضوعات را به طور روشمندتر و با استفاده از نظریات، زبان و روش جامعه‌شناختی مورد مطالعه قرار داد. شما چه تمایزی میان جامعه‌شناسی فرهنگ، جامعه‌شناسی فرهنگی و مطالعات فرهنگی قائلید و مزیت جامعه‌شناسی فرهنگی نسبت به جامعه‌شناسی فرهنگ و مطالعات فرهنگی را چه می‌دانید؟

من "جامعه‌شناسی فرهنگ" را این گونه تعریف می‌کنم: سنتی در جامعه‌شناسی که امر فرهنگی -

چه هنرهای زیبا و چه فرهنگ عامه - را متغیر وابسته می‌گیرد و روی علل غیر فرهنگی امور فرهنگی متمرکز می‌شود. در واقع جامعه‌شناسی فرهنگ نوعی تعمیم اندیشهٔ مارکسیستی رونا و زیربناست. البته در روایت آمریکایی جامعه‌شناسی فرهنگ مسائلی مانند تولید فرهنگ و این که چگونه ثروت و قدرت و سازماندهی به تولید کالاهای فرهنگی می‌انجامد به جای این اندیشهٔ مارکسیستی می‌نشیند. اما در "جامعه‌شناسی فرهنگی" معنا و فرهنگ خود متغیری مستقل محسوب می‌شود. جامعه‌شناسی فرهنگی به بررسی ساختارهای درونی معنا می‌پردازد و تأکید می‌کند که معنا و ارزش با تمام فرآیندهای دیگر در هم تنیده‌اند و نمی‌توان گفت که امری غیر فرهنگی علت امری فرهنگی است و بالعکس. البته به طور تحلیلی می‌توان امری فرهنگی را در انزوا از امور و فرآیندهای دیگر بررسی کرد، اما می‌دانیم که در هر یک از این‌ها دیگری نیز حضور دارد و برای مثال در اقتصاد معنا نیز موجود است.

اما قضیهٔ مطالعات فرهنگی کمی پیچیده‌تر است. به گمان من بهترین راه برای فهم چستی مطالعات فرهنگی این است که آن را رشته‌ای که به مطالعهٔ فرهنگ می‌پردازد، ندانیم و در عوض سنتی بدانیم که در انگلستان ظهور کرده است و نتیجهٔ تحولی جالب توجه در درون نئومارکسیسم است. این سنت با مکتب مینگهام آغاز شد و کوشید بسیاری از دستاوردهای جدید پساساختارگرایی، نشانه‌شناسی و فمینیسم را در کنار اندیشه‌های مارکسیستی آنتونیو گرامشی (با توجه ویژه به مفهوم هژمونی او) و آلتوسر (با تأکید بر مفهوم ایندولوژی او) در غالب نظریه و رشته‌ای جدید گرد آورد.

مطالعات فرهنگی به معنا و فرهنگ به عنوان واسطه‌هایی میان طبقات و ابزار قدرت و مقاومت اهمیت می‌دهد. بنابراین مطالعات فرهنگی به یک معنا شکلی از تحلیل نئومارکسیستی یا نوعی مارکسیسم فرهنگی است. اما از زمان تأسیس مطالعات فرهنگی در حدود ۲۵ سال پیش، این محتوای بیش و کم نئومارکسیستی مطالعات فرهنگی بسیار گسترده‌تر و متکثرتر شده و به مرور این رشته ارتباط خود را با مکتب برمینگهام از دست داده است. به همین دلیل امروزه مطالعات فرهنگی می‌تواند مطالعات رسانه و مطالعات ادبی هم باشد و نه لزوماً

مطالعات مارکسیستی و نئومارکسیستی.
پس باید پرسید امروز مطالعات فرهنگی چیست؟

به گمان من امروزه دیگر نمی‌توان برای مطالعات فرهنگی تعریف مشخصی ارائه کرد و همین یکی از آفات این رشته است. این روزها مقالاتی در مجلات علمی مطالعات فرهنگی می‌بینم که شبیه جامعه‌شناسی فرهنگی است، با این تفاوت که سطحی‌تر است و غیرروشن‌تر. اگر قرار باشد مطالعات فرهنگی را نقد کنم می‌گویم مقالات این رشته معمولاً از نظر تجربی، سطحی است. بیشتر مقالات مطالعات فرهنگی نوعی خوانش سطحی از موردی مشخص هستند، به جای بررسی مفصل، دقیق و کامل آن مورد. برای مثال تحلیلی خوب از چند درونمایه یک رمان هنری جیمز یا یک فیلم را بیشتر مجلات علمی مطالعات فرهنگی به عنوان مقاله علمی می‌پذیرند و منتشر می‌کنند. اما همین تحلیل در مجلات علمی جامعه‌شناسی پذیرفته نمی‌شود، چرا که جامعه‌شناسی به این قانع نیست و می‌کوشد الگوها و تبیین‌های جهان‌شمول‌تری به دست دهد. جامعه‌شناسی فرهنگی هم موضوعات مطالعات فرهنگی را مطالعه می‌کند اما با ضابطه‌های بیشتر و روش‌ها و نظریه‌های مشخص و شناسنامه‌دار.

به همین دلیل شما تنها در حالتی مطالعات فرهنگی را به یک دانشجوی علوم اجتماعی توصیه می‌کنید که آن دانشجوی ذائقه نئومارکسیستی داشته باشد و علاوه بر آن توان تحمل نظم و روش مندی‌ها و دشواری‌های کار جامعه‌شناختی را نداشته باشد و بخواهد با انرژی کمتری مقاله چاپ کند ...

بله، پژوهشگر از نظر روشی و نظری در مطالعات فرهنگی آواره‌تر از جامعه‌شناسی است و البته جامعه‌شناسی نیز آرزوهای بلندتری را در سر می‌پروراند. حرف حساب زدن در جامعه‌شناسی فرهنگی بسیار مشکل‌تر از مطالعات فرهنگی است.

شما علاوه بر نظریه جامعه‌شناختی در باب نظریه اجتماعی هم آثار معتبر و شناخته شده‌ای منتشر کرده‌اید (از جمله: **new social theory reader**). به نظر می‌رسد نسبت میان نظریه اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، عموم و خصوص مطلق است و نظریه اجتماعی

اعم از نظریه جامعه‌شناختی است. پرسشی که مایلیم طرح کنیم این است: نظریه جامعه‌شناختی دقیقاً چه دارد که دیگر نظریات اجتماعی ندارند؟ به عبارت دیگر وجه متمایز نظریه جامعه‌شناختی از نظریات اجتماعی دقیقاً چیست؟

پرسش مشکل و دقیقی است. به نظر من نظریه اجتماعی حاصل هر نوع تعمیم و نظریه‌پردازی درباره جامعه است که البته موضوع و درجه انتزاعی / تجربی بودن و هنجارین / علمی بودن آن متغیر است. من و استیون سایدمن در کتاب نظریه اجتماعی جدید نشان داده‌ایم که امروزه نظریه اجتماعی در سطح رشته‌های متعددی تولید می‌شود. حتی در دانشکده‌های زبان انگلیسی و فرانسه، ادبیات، فلسفه و مطالعات زنان و اقوام نیز می‌توان رد نظریه اجتماعی را گرفت (مثل ادوارد سعید که در دانشکده ادبیات انگلیسی نظریه‌های اجتماعی‌اش را ارائه می‌کرد).

نظریه اجتماعی به دانشکده‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم سیاسی محدود نمی‌شود و اتفاقاً بسیاری از تحولات جدید و جذاب نظریه اجتماعی در طول سه دهه گذشته ابتدا در حوزه‌ها و رشته‌های دیگری که پاره‌ای از آن‌ها را نام بردم، جوانه زدند.

اما نظریه جامعه‌شناختی گونه ویژه‌ای از نظریه اجتماعی است. من درباره ویژگی‌های متمایز نظریه جامعه‌شناختی پیش از این مقاله مبسوطی نوشته‌ام. به باور من، نظریه جامعه‌شناختی می‌کوشد امر هنجارین^{۱۴} را با یک الگوی تجربی تلفیق کند. نظریه جامعه‌شناختی در مدل‌سازی علمی، از سایر انواع نظریه اجتماعی اهداف

بهترین راه برای فهم چیستی
مطالعات فرهنگی این است که آن را
رشته‌ای که به مطالعه فرهنگ
می‌پردازد ندانیم و در عوض سنتی
بدانیم که در انگلستان ظهور کرده
است و نتیجه تحولی غالب توجه در
درون نئومارکسیسم است

Thompson and Roger Friedland)
 , International Sociology, ۲۰۰۱.
 ۶. The New Social Theory:
 Contemporary Debates
 (with Steven Seidman),
 London: Routledge, ۲۰۰۱.
 ۷. State and Civil Society:
 Social Theory and Methodology
 (in Chinese, with Deng Zheng Lai)
 and Translation Press, ۲۰۰۰.
 ۸. Demos / Ethnos, Special Issue of
 International Sociology
 (inzwith Mabel Bere),
 Beijing: Central Compilation ۱۹۹۹.
 ۹. The Public Representation
 of Culture and History, Special Issue
 of American Behavioral Scientist, ۴۲(۶)
 : ۱۹۹۹ (with Neil Smelser)
 ۱۰. Diversity and Its Discontents:
 Cultural Conflict and Common Ground
 in Contemporary American Society
 (with Neil Smelser),
 Princeton University, ۱۹۹۹.
 ۱۱. Real Civil Societies:
 Dilemmas of Institutionalization,
 Sage Publications, ۱۹۹۸.
 ۱۲. The Classic Tradition in Sociological
 Theory (۸ Volumes with Raymond
 Boudon and M. Cherkaoui),
 Sage Publications, ۱۹۹۷.
 ۱۳. Culture and Society:
 Contemporary Debates
 (with Steven Seidman),
 Cambridge University Press, ۱۹۹۰.
 ۱۴. Rethinking Progress:
 Movements, Forces and Ideas at the
 End of the Twentieth Century
 (tompkazwith Piotr S),
 Unwin Hyman, ۱۹۹۰.
 ۱۵. Differentiation Theory and Social
 Change: Historical and Comparative
 Perspective (with Paul Colomy),
 Columbia University Press, ۱۹۹۰.
 ۱۶. Durkheimian Sociology, Cultural
 Studies, Cambridge University Press, ۱۹۸۸.
 ۱۷. The Micro-Macro Link
 (with Bernhard Giesen,
 Richard Munch and Neil Smelser)
 , University of California Press, ۱۹۸۷.
 ۱۸. Neofunctionalism,
 Sage Publications, ۱۹۸۵.

Identity (with Eyerman, Giesen,
 Smelser, and Stompkaz).
 University of California Press, ۲۰۰۴.
 ۲. The Meanings of Social Life:
 A Cultural Sociology,
 Oxford University Press, ۲۰۰۳.
 ۴. Neofunctionalism and After,
 Basil Blackwell, ۱۹۹۸.
 ۵. Fin-de-Sicle Social Theory:
 Relativism, Reduction and the Problem
 of Reason, Verso, ۱۹۹۵.
 ۶. Structure and Meaning:
 Relinking Classical Sociology,
 Columbia University Press, ۱۹۸۹.
 ۷. Action and Its Environments:
 Towards a New Synthesis,
 Columbia University Press, ۱۹۸۸.
 ۸. Twenty Lectures: Sociological Theory
 Since World War Two, Columbia
 University Press, Hutchinson, ۱۹۸۷.
 ۹. Multidimensional, Gedisa, ۱۹۸۹.
 ۱۰. Theoretical Logic in Sociology,
 University of California Press
 and Routledge Kegan Paul, ۱۹۸۲-۸۳:
 and Current Controversies
 vol. I: Positivism, Presuppositions,
 vol. II: The Antinomies of Classical
 Thought, Marx and Durkheim
 ۲/۱۳/۲۰۰۷ ۳
 vol. III: The Classical Attempt at
 Synthesis: Max Weber
 vol. IV: The Modern Attempt at
 Synthesis: Talcott Parsons
 Edited Books:
 ۱. Social Performance: Symbolic Action,
 Cultural Pragmatics and Ritual
 (with Bernhard Giesen and
 Jason Mast), Cambridge University
 Press, ۲۰۰۶.
 ۲. The Cambridge Companion to
 Durkheim (with Philip Smith),
 Cambridge University Press, ۲۰۰۵.
 ۳. Self, Social Structure, and Beliefs:
 Explorations in Sociology
 (with Gary Marx and Christine Williams)
 , University of California Press, ۲۰۰۴.
 ۴. Mainstream and Critical Theory:
 Classical, Modern, and Contemporary
 Theoretical and Research Programs,
 Sage Publications, (۸ volumes) ۲۰۰۱.
 ۵. Symposium: New Directions in
 Critical Theory (with Kenneth

بلندپروازانه‌تری دارد. در این الگو روابط علی،
 اهمیت ویژه‌ای دارند. حداقل به گمان من وجه
 تمایز نظریه جامعه‌شناختی از سایر نظریه‌های
 اجتماعی همین است. برای فهم تفاوت‌های
 نظریه جامعه‌شناختی از نظریه اجتماعی برای
 مثال می‌توانید کتاب جین کوهن^{۱۵} و اندرو اراتو^{۱۶}
 تحت عنوان جامعه مدنی و نظریه سیاسی^{۱۷} را
 با کتاب من تحت عنوان عرصه مدنی^{۱۸} مقایسه
 کنید. کتاب اول که در سال ۱۹۹۲ منتشر شده
 است، یک اثر درخشان در نظریه اجتماعی
 هابرماسی است که با رویکردی نسبتاً فلسفی
 و هنجاری به بحث درباره جامعه مدنی
 می‌پردازد. اما کتاب من که حدود ۱۵ سال بعد
 در سال ۲۰۰۶ با موضوع مشابهی منتشر شد،
 نمونه‌ای از نظریه جامعه‌شناختی است. با مقایسه
 این دو کتاب تفاوت‌های نظریه جامعه‌شناختی
 با نظریه‌های دیگر روشن‌تر می‌شود.

بخش دوم این گفت‌وگو در شماره بعدی آیین
 منتشر خواهد شد.

پانویس‌ها:

۱. Jeffrey Alexander
۲. Strong Program
۳. Theoretical Logic in Sociology
۴. Twenty Lectures: Sociological
 Theory Since World War Two
۵. Cultural Structures
۶. Civil Sphere
۷. Middle-range Theory
۸. The Civil Sphere
۹. Neo-functionalism
۱۰. The Meanings of Social Life:
 A Cultural Sociology
۱۱. Civil Sphere
۱۲. Cambridge Cultural Social Studies
۱۳. Steven Seidman
۱۴. The Normative
۱۵. Jean-Louis Cohen
۱۶. Andrew Arato
۱۷. Civil society and political theory
۱۸. The civil sphere

کتاب‌شناسی جفری الکساندر:

Authored Books:

۱. The Civil Sphere, Oxford University
 Press, ۲۰۰۶.
۲. Cultural Trauma and Collective